

تجلی پایداری حضرت زینب علیها السلام در ادبیات عاشورایی مورد پژوهانه: ده جلد ادب الطّف

دکتر علی اکبر محسنی^۱

دکتر مجید محمدی^۲

فرشته جمشیدی^۳

چکیده

در تاریخ حماسه عاشورا، حضرت زینب علیها السلام به عنوان سفیر افتخار آمیز کربلا با خطبه های آتشین و کوبنده در برابر دشمنان اسلام شناخته شده است. وصف پایداری ایشان که وجوه برآمده از آن حکایت از ماهیت ظلم ناپذیری و کارکرد آن در ادبیات عاشورایی دارد از موضوعاتی مهم است که در کانون توجه شاعران فراوان قرار گرفته است. از جمله برخی از شاعران هستند که در مجموعه ده جلدی کتاب «ادب الطّف» تألیف جواد شبر نام و اشعار عاشورایی آن ها گرد آوری شده است. از این رو، مقاله حاضر با نگاه توصیفی-تحلیلی به بررسی اشعار شاعران نامبرده پرداخته و به این نکته مهم دست یافته است که شاعران مورد پژوهش، در پی آن بوده اند تا با تشریح سیمای حضرت زینب علیها السلام و بیان احوال ایشان در غم از دست دادن نزدیکان خود، شخصیتی بردبار را از وی در برابر مخاطب مجسم نمایند. در خلال وصف ویژگی های این بانوی بزرگوار هم چون صبر و پایداری در برابر ارزش های اسلام، عفت و نیابت از امام حسین علیه السلام و صیانت از آرمان های اسلام در فقدان امام علیه السلام به ترسیم سیمای پیامبرگونه آن حضرت در ادبیات پایداری و رسالت ایشان که همان خیزش و انقلاب علیه ظلم است پردازند؛ حضرت زینب علیها السلام به عنوان الگوی بی بدیل صبر و شهامت و مظهر ایستادگی حق در برابر باطل به شمار می رود و گفتمان غنی ایشان که خط مشی ضد استکباری خود را از تعالیم قرآنی برگرفته، مشعل راه بیداری امت اسلامی تا به امروز گردیده است.

واژگان کلیدی: ادب الطّف، شعر عاشورایی، پایداری، حضرت زینب علیها السلام.

۱- دانشیار زبان و ادبیات عربی دانشگاه رازی کرمانشاه mohseni0310@yahoo.com

۲- استادیار زبان و ادبیات عربی دانشگاه رازی کرمانشاه mohammadimajid44@gmail.com

۳- دانشجوی کارشناسی ارشد زبان و ادبیات عربی دانشگاه رازی کرمانشاه، نویسنده مسئول fereshtejamshidi1992@gmail.com

مقدمه

حوادث بزرگ تاریخی، قهرمانان، اسطوره‌ها و شخصیت‌های والا، در تاریخ و ادبیات اثرگذار بوده است. به دلیل تفاوت شیوه بیان ادبیات نسبت به تاریخ، آثار ادبی علاوه بر جنبه تاریخی‌شان، به سبب وزن موسیقایی و گوشنواز بودن و تصاویر هنری و فنی موجود، اثرگذاری و ماندگاری فراوان‌تر در جنبه‌های مختلف زندگی دارند و حال اگر مخاطبان زیادی در طول تاریخ شیفته آن حادثه و شخصیت و حماسه آن قهرمان شوند، اثرگذاری بس شگرف در تمامی جوانب زندگی خواهد داشت. حماسه عاشورا، اثرگذارترین و شورانگیزترین حماسه تاریخ بشری است که احساسات میلیون‌ها انسان را برانگیخته و مرزها را درنوردیده است؛ حماسه کربلا و قیام سالار شهیدان امام حسین علیه السلام و مصایب و سختی‌هایی که خاندان و پیروان ایشان در واقعه خونین عاشورا به چشم دیدند، مهم‌ترین رخدادی بوده که باعث تحول مضمونی و معنایی در ادبیات عربی شده است. تأثیرات دامنه‌دار واقعه عاشورا در متون ادبی نویسندگان و شاعران عرب تا به آن‌جا است که برخی از واژگان هم‌چون فداکاری، ایثار، مبارزه با ظلم و جز آن به طور ناخودآگاه به واقعه عاشورا استناد داده می‌شود و این تأثیرات پس از گذشت ۱۴ قرن هنوز هنوز زنده و پربسامد است. اولین اشعار عاشورایی در ادبیات عربی در فضای خفقان عصر اموی سروده شد و سرایندگان آن با خوف و خطر فراوان در رثای امام حسین علیه السلام شعر می‌سرودند. شاعرانی نظیر کمیت، سید اسماعیل حمیری، منصور نمری و عبدی کوفی در فضای رعب‌انگیز و هراس‌آور حکومت بنی‌امیه، اشعاری ارزنده در جهت انتقام خون امام حسین علیه السلام سرودند و خاندان بنی‌امیه را مورد هجو و لعن خویش قرار دادند. «در دوره امویان، شاعران، گاهی با صراحت و جسورانه بر امویان و دشمنان اهل بیت علیهم السلام می‌تازند و گاهی دیگر از سلاح تقیه استفاده می‌کنند.» (دیاری نژاد، ۱۳۹۴: ۲۲) «شاعران در دوره بنی‌عباس، به بیان آشکار عواطف خود و اعلام اندیشه شیعی‌شان رو آوردند. از بارزترین شاعران این دوره، سید حمیری است که شعرش، سندی از مواقف و مناقب علی علیه السلام است. دعبل خزاعی، دیک الجن و ابوتمام نیز با عاطفه‌ای پر حرارت، اندیشه‌ای روشن، تعبیری دقیق و اسلوبی محکم و استوار، بر عشق خود نسبت به اهل بیت علیهم السلام و برائت از دشمنان آنان تأکید ورزیدند.» (نعمه، ۱۴۰۰: ۱۱۰-۱۱۴) منصور نمری پس از واقعه تخریب حرم امام حسین علیه السلام توسط متوکل عباسی (۲۳۶ ه. ق)، در اشعار خویش بنی‌عباس را هم‌پایه با بنی‌امیه معرفی کرد و مورد تعقیب قرار گرفت. از این شاعر

اشعار زیادی با موضوع عاشورا بر جای مانده است. در مجموع چنین می‌توان ادعان داشت که بخشی مهم از شاعران که در ادبیات عربی به خلق اثر پرداخته‌اند، سروده‌هایی را به واقعه عاشورا و این شخصیت‌های بزرگ اختصاص داده‌اند.^۱ در واقع انقلاب کربلا سبب وارد شدن عنصرهایی به ادبیات عربی به ویژه ادبیات شیعه شد که البته در تاریخ ادب عربی کم‌نظیر و چه بسا بی‌نظیر هستند. جایگاه شعر عاشورایی در ادبیات عربی به ویژه شعر شیعی هم‌چون خورشید تابناک است. حادثه کربلا، انعکاسی گسترده در ادبیات عربی داشته است تا آن‌جا که چنین به نظر می‌رسد در میان مضامین شعر شیعی، بیش‌ترین حجم را به خود اختصاص داده است.

مهم‌ترین کتابی که در این زمینه نگاشته شده، مجموعه ده جلدی «أدب الطّف» تألیف «جواد شبر» است. البته کثرت اشعار عاشورایی به گونه‌ای است که مؤلف همین کتاب -أدب الطّف- چنین می‌نویسد: «اشعاری که در رثای حسین علیه السلام گفته شده نیازمند صدها جلد کتاب است، به طوری که فقط یک شاعر (شیخ احمد البلاذی شاعر قرن ۱۲) هزار قصیده در رثای امام حسین علیه السلام سروده است» (شبر، ۱۴۰۹: ۱۸/۱) «جواد شبر» در کتاب خود به گردآوری مجموعه سروده‌های شاعران عاشورایی عرب از قرن اول تا قرن چهاردهم پرداخته و اثری جامع و ناب را در اختیار مخاطبان مشتاق اشعار عاشورایی قرار داده است. در این مجموعه ده جلدی، از شخصیت‌های برجسته عاشورایی که همواره مورد توجه و البته ستایش شاعران عربی قرار گرفته است، حضرت امام حسین علیه السلام و حضرت عباس علیه السلام و حضرت زینب کبری علیه السلام، بزرگ بانوی اسلام، ملقب به عقیده بنی‌هاشم، «ام المصائب» و پرچم‌دار ابلاغ پیام نهضت عاشورا است. در شأن و فضیلت این بانوی آگاه، شجاع و پرهیزکار سخن بسیار گفته شده است، چنان‌که از جرئت، خرد، ادب، ایثار و ایستادگی بی‌نظیر این بانوی ظلم‌ستیز و تاریخ‌ساز به شگفتی یاد کرده‌اند. سختی‌ها، مرارت‌ها و محنت‌هایی که آن بانوی بزرگ متحمل شد، به راستی از تاب و تحمل هر انسانی خارج است و اگر به آن حضرت لقب «ام المصائب» داده‌اند، بی‌گمان چنین است و زبان از شرح حماسه پایداری ایشان ناتوان می‌ماند. با بررسی مجموعه گردآوری شده شبر نیز مصایب حضرت زینب علیه السلام، خصایل و سخنان ایشان دیده می‌شود. لذا، در این جستار برآن هستیم با نگاهی موشکافانه به تحلیل شخصیت و گفتمان حضرت زینب علیه السلام و دعوت به پایداری و تأثیر آن در بیداری امت اسلامی بپردازیم.

۱- پرسش پژوهش

گفتمان دینی حضرت زینب علیها السلام در صیانت از آرمان های امام حسین علیه السلام، تا چه اندازه توانسته بعد از واقعه عاشورا در امت اسلامی کارساز باشد؟

۱-۱: اهمیت پژوهش

جایگاه شاعران عاشورایی به لحاظ دقت نظر ادیبانه، عاطفه صادق در بیان و تمسک آنان به اهل بیت علیهم السلام، قابل ملاحظه و تأمل است. حفظ و نگهداری از آثار دینی و تاریخی به عنوان گنجینه فرهنگ و ادبیات که از نیاکان ما به یادگار مانده از موضوعاتی مهم است که همواره مورد توجه پژوهشگران قرار گرفته است. شاهکارهای عاشورایی شاعران نیز از جمله میراث های ادبی-دینی به شمار می روند که با مطالعه در اندیشه و مضامین موجود در آنها به عناوینی مشترک که همانا یادآوری و پاسداری از آرمان های مقدس اسلام و قیام بی بدیل عاشورا است، پی می بریم. نزدیکی معانی و هم آوایی واژگان در سوگ سروده ها و نیز مفهوم پایداری با وام گیری از مهم ترین مضامین قیام عاشورا، که همان ایستادگی در مقابل ظلم و بیداد است مبحث اصلی این مقاله است. که نویسندگان تلاش می کنند تا بتوانند مواردی مشترک را که در قالب ترسیم گری های حضرت زینب علیها السلام، صبر و پایداری و حیا و پاکدامنی آن حضرت نمود یافته است، بنمایانند.

۱-۲: پیشینه پژوهش

شاعران عرب زبان بسیاری در آثار خود به ترسیم رخداد عاشورا و شخصیت های حاضر در کربلا اعم از قهرمان ها و ضد قهرمان ها به عنوان آفرینندگان نهضت عاشورا، پرداخته اند همان طور که پیش تر گذشت، جواد شبر اشعار شاعران عاشورایی از قرن اول تا قرن چهاردهم را در اثر خود «ادب الطف» گردآورده است. اگر از شاعران سده ها و دهه های پیش به دوران معاصر گام نهمیم از میان شاعران عرب زبان معاصر که به ترسیم واقعه کربلا پرداخته اند، می توان به اشعار زیبا و ناب محمد مهدی الجواهری اشاره کرد که دو قطعه «آمنت بالحسین» و «عاشورا» از آثار عاشورایی بی نظیر عصر حاضر به شمار می آیند.

با این همه آنچه به تحلیل ادبی اشعار سروده شده در مورد واقعه کربلا مربوط می شود، می توان به کتاب «کربلا بین شعراء الشعوب الإسلامية» (۲۰۰۰م) تألیف حسین مجیب المصری اشاره کرد. هم چنین پایان نامه دکترای ابراهیم محمد عبدالرحمن با عنوان «استدعاء شخصیت حسین بن علی فی

الشعر العربی الحدیث» (۲۰۰۸) نوشته ابراهیم محمد که نویسنده به بررسی فراخوانی شخصیت امام حسین علیه السلام در شعر معاصر عربی پرداخته است. درباره «أدب الطّف» هم پایان‌نامه‌هایی چند به رشته نگارش درآمده، از جمله زهرا سورنی در رساله ارشد خود با عنوان «تحلیل محتوایی و ساختاری رثای حسینی در جلد اول کتاب أدب الطّف» (۱۳۹۰، دانشگاه رازی)، به بررسی مهم‌ترین مضامین و اسلوب‌های شعر عاشورایی و تحلیل آن پرداخته است. افزون بر این، عزت الله دیاری‌نژاد در سال (۱۳۹۴، دانشگاه رازی) به تحلیل محتوایی و ساختاری جلد دوم این کتاب و کبری عزیزی در سال ۱۳۹۶ (دانشگاه رازی) این مهم را در جلد چهارم این اثر، مورد بررسی قرار داده است. پژوهش‌های فوق، به واکاوی و تفسیر هرچه بیش‌تر مضامین ادبیات عاشورایی و پیوند آن با استکبار ستیزی و از دیدگاه اهل بیت علیهم السلام پرداخته است. از جمله پژوهش‌هایی که به صورت مستقل درباره حضرت زینب علیها السلام انجام شده، می‌توان به مقاله «تحلیل گفتمان ادبی خطبه‌های حضرت زینب» (۱۳۸۸) نوشته کبری روشنفکر و دانش‌مندی، مقاله «تجزیه و تحلیل ادبی خطبه حضرت زینب علیها السلام در کوفه» (۱۳۸۸) نوشته سید اسماعیل حسینی اجداد، مقاله «تجلی حضرت زینب علیها السلام در شعر عاشورایی» (۱۳۹۱) نوشته کامران شرفشاهی و همچنین مقاله «خردورزی در سیره حضرت زینب علیها السلام» (۱۳۹۲) نوشته اعظم نوری اشاره کرد. در کنار پژوهش‌هایی که به صورت مستقل در مورد ادب الطّف و حضرت زینب علیها السلام نوشته شده، پژوهشی که به بررسی سیمای ایشان در این مجموعه شعری پرداخته باشد، دیده نشده است. از این رو، نویسندگان تلاش می‌کنند تا بتوانند اصلی‌ترین مؤلفه‌های پایداری و صیانت از ارزش‌های اسلام را با وام‌گیری از قیام آرمانی عاشورا که در قالب جلوه‌های شکیبایی و استواری این بانوی بزرگوار تجلی یافته است در طیفی گسترده از شعر شاعران شیعه به نمایش بگذارند.

۲- پردازش تحلیلی موضوع

نقش حماسه آفرینی حضرت زینب کبری علیها السلام در ادبیات عاشورایی از دیرباز تا کنون توجه شاعران زیادی را در حوزه ادبیات شیعه به خود معطوف داشته است. رسالت خطیر آن حضرت در تبیین قیام عاشورا و افشای چهره ظلم و جنایات کفار از وی شخصیتی بی‌نظیر در تاریخ ساخته است. در کنار سایر ویژگی‌های ممتاز ایشان هم چون عفت، پاکدامنی، شجاعت، اخلاص و بردباری می‌توان به رسالت اصلی وی که همان هدایت امت اسلامی در فقدان رهبر در جامعه آن روز است، اشاره کرد.

صراحت گفتار وی در ایراد خطبه‌های سوزناک آن‌چنان نافذ و با تکیه بر استدلال و منطق بود که موجب ندامت و پشیمانی یزیدیان شد. آن حضرت با بصیرت و بینش علوی خویش، و شیوه صحیح مدیریت، وضعیت را به گونه‌ای دیگر رقم زد و موجب پیروزی اهل یقین بر ظالمان گردیدند. از این رو، در این بخش بر آن هستیم تا به واکاوی سیمای رسالت گونه این بانوی بزرگوار با تکیه بر تحلیل گفتمان دینی و نقش آفرینی آن در بیداری امت اسلامی از آن زمان تا عصر حاضر پردازیم.

۱-۲: زندگینامه جواد شبر

سید جواد شبر در ۱۳ جمادی الثانی ۱۳۳۲ هجری در نجف اشرف، در خانواده‌ای اهل علم و فضیلت زاده شد و تحت نظر پدر خود و نزد سرشناس‌ترین اساتید حوزه نجف اشرف به تحصیل علم و معارف دین پرداخت. وی در کنار دروس حوزوی به مدرسه «مندی النشر الحدیثه» پیوست و به موفقیت‌هایی بسیار دست یافت تا آن‌جا که به عنوان یکی از اساتید برجسته آن مطرح شد سپس به عنوان دبیر در آن مؤسسه منصوب گردید. شبر پس از تحصیل در هر دو بخش حوزوی و دانشگاهی تمام توان و استعداد سرشار خود را در خدمت منبر و سخنرانی در منقبت حضرت سید الشهداء قرار داد و در زمره برجسته‌ترین خطیبان منبر حسینی در زمان خود قرار گرفت. پاسداری از ساختارهای نظری ادبیات متعهد شیعه از دیگر تلاش‌های ایشان در حوزه ادبیات شیعه است. این ویژگی‌های ممتاز، سبب شده است که از شبر به عنوان رکنی از ارکان ادبیات شیعه، به ویژه ادبیات عاشورایی، یاد شود. (شیخ الغری، ۱۴۲۸: ۳۹۸-۳۹۹)

۲-۲: تجلی سیمای حضرت زینب علیها السلام در ادب الطّف

حضرت زینب علیها السلام دختر گرامی امام علی علیه السلام و حضرت فاطمه علیها السلام است که همراه با کاروان برادرش امام حسین علیه السلام در واقعه کربلا حضور داشت. ایشان را به سبب سختی‌های بسیار هم‌چون درگذشت جدّ بزرگوارش پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم، وفات مادرش فاطمه زهرا علیها السلام، شهادت پدرش امیرالمؤمنین علیه السلام، شهادت برادرش امام مجتبی علیه السلام، فاجعه کربلا و شهادت برادرش امام حسین علیه السلام و دو فرزندش و دیگر بستگان و سایر شهدا و به اسارت رفتن در کوفه و شام که در زندگی وی متحمل شد "أمّ المصائب" لقب داده‌اند. (امین، ۱۴۰۳: ۱۲۷/۷) در کتاب «الخصائص الزینبیه» در باب فضیلت این بانوی کریمه آمده است که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در زمان تولدش، وی را بوسید و فرمود:

«حاضران اقم، غایبان را از کرامت این دخترم زینب آگاه کنند؛ همانا او مانند جدّه‌اش خدیجه است.» (جزائری، ۱۴۲۵: ۴۴)

حضرت زینب علیها السلام در همهٔ صحنه‌های زندگی چنان سترگ و شکوهمند ظاهر شده است که هر مخاطبی را به ستودن و تکریم و می‌دارد؛ چنان که حضرت سجاد علیه السلام در ستایش شخصیت عمهٔ بزرگوار خویش چنین فرموده‌اند: «أَنْتِ بِحَمْدِ اللَّهِ عَالِمَةٌ غَيْرُ مُعَلِّمَةٍ وَ فَهْمَةٌ غَيْرُ مُفَهِّمَةٍ» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۹۹/۴۵) «تو عالمهٔ تعلیم ندیده و خردمند خرد نیازموده‌ای.» پس از رویداد کربلا، یزید و عوامل سرسپردهٔ او تلاش بسیاری داشتند تا از شعر برای تصدیق و ترویج جنایت هولناک خویش سود جویند که این فرصت‌طلبی‌های رذیلانه را حضرت زینب علیها السلام بی پاسخ نگذاشت؛ در واقع، می‌توان گفت: پس از رخداد عاشورا و آن فاجعهٔ عظیم و جانگداز و به اسارت درآمدن خاندان امام حسین علیه السلام رسالت پیامبرگونهٔ حضرت زینب علیها السلام آغاز گردید. صبر و بردباری، علم و فرزاندگی، عفت و پاکی، شجاعت و بلاغت و فصاحت در کلام از جمله فضایل آن حضرت است. ایشان در شجاعت و قهرمانی یکه‌تاز بود. خطبه‌های آتشین و افشاگرانهٔ او بر ضد دستگاه امویان و گفتار کوبندهٔ او در فرصت‌های مختلف به دفاع از نهضت حسینی و صلابت بی‌نظیر او در کوفه و شام، همه و همه بیانگر قهرمانی و شجاعت او به شمار می‌رود. «فصاحت و بلاغت آن بانوی گرامی باعث می‌شد تا در برابر منطق و استدلال‌های آن حضرت، دشمنان چاره‌ای جز تسلیم و سکوت نداشته باشند. آن حضرت به محض مواجهه با مردم، دیوارهای دروغین دشمنان را در هم می‌شکست و با کم‌ترین جملات و کلمات از فرصت‌های کوتاه به دست آمده، بهترین نتیجه را می‌گرفت.» (شرفشاهی، ۱۳۹۱: ۹۴) چنانچه عایشه بنت الشاطیء در کتاب «بطلة کربلاء» آورده است:

«کسی که گفتار حضرت زینب علیها السلام را [در برابر دشمنان] شنیده بود، نقل می‌کند: به خدا، هرگز پرده‌نشینی را سخن‌پردازتر از او ندیده بودم. گویی که سخنانش از زبان امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام خارج می‌گردید. قسم به خدا، هنوز گفتارش را به پایان نرسانده بود که صدای مردم به گریه بلند می‌شد و از شدت هول و هراسی که از این محنت جانسوز به آنان دست داده بود، چنان از خود بی‌خود شدند که آنچه در دست داشتند، بر زمین افتاد.» (بنت الشاطیء، ۱۳۶۷: ۱۴۶)

از این رو، می‌توان گفت: حضرت زینب علیها السلام به عنوان یکی از شخصیت‌های اصلی واقعهٔ کربلا، حضوری پر رنگ در بیش‌تر مرثیه‌های عاشورایی داشته است؛ در مجموعهٔ ده جلدی «أدب الطف»

نیز ضمن آن که جلوه‌هایی مختلف از خصایل ایشان به تصویر کشیده شده است، بلکه به زبان آن حضرت به روایت حوادث ناگوار واقعه عاشورا و مصیبتی که بر عزیزان وی گذشته است، می‌پردازد که در ادامه به شرح و تحلیل آن‌ها خواهیم پرداخت.

۲-۲-۱: ترسیم گر عمق واقعه عاشورا و ذکر مظلومیت امام علیه السلام و یاران

مظلومیت، صفتی است که بارزترین جلوه خود را در امام حسین علیه السلام یافته، به طوری که همواره با نام ایشان عجین بوده و در بسیاری از منابع و روایات اسلامی بر این مهم اشاره و تاکید شده است. ابی بصیر نقل کرده است که از امام باقر علیه السلام شنیدم که می‌فرمود: «هر کس دوست دارد که بهشت مسکن و جایگاهش باشد، زیارت مظلوم را ترک نکند عرض کردم: مظلوم کیست؟ امام فرمود: حسین بن علی علیه السلام شهید کربلا.» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۶۶/۹۸) در بسیاری از دعاها و روایات که کلمه مظلوم به صورت مطلق استعمال شده، منظور از آن وجود مقدس امام حسین علیه السلام است؛ چنان که در یکی از دعاهای توسل به آن حضرت می‌خوانیم «اللَّهُمَّ إِنِّي أُنشِدُكَ بِدَمِ الْمَظْلُومِ» (همان، ۲۱۶) «خدایا تو را به خون مظلوم سوگند می‌دهم.»، امام حسین علیه السلام مصداق کامل آیه «وَمَنْ قُتِلَ مَظْلُومًا فَقَدْ جَعَلْنَا لَوْلِيهِ سُلْطَانًا وَسَيَعْلَمُ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَيَّ مُنْقَلَبٍ يَنْقَلِبُونَ» (شعراء/۲۲۷)، «مگر کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده و خدا را بسیار به یاد آورده و پس از آن که مورد ستم قرار گرفته‌اند، یاری خواسته‌اند و آنان که ستم کرده‌اند به زودی خواهند دانست به کدام بازگشتگاه بروهند گشت.»

شاعران این دوره با خلق مضامینی از قبیل تنهایی و بی‌یاوری حضرت زینب علیها السلام، تشنگی، رها شدن پیکر مقدس و بی‌جان امام حسین علیه السلام در صحرای کربلا و تاخت و تاز سپاه دشمن بر آن، غربت امام علیه السلام و مسایلی از این دست پرداخته و هر یک به شیوه‌ای بر جنبه‌ای از مظلومیت این امام بزرگوار تأکید کرده‌اند:

أُحْيِيَ عُيُونُ الشَّرْكَ أُمْسَتْ قَرِيرَةً بِقَتْلِكَ قَرَّتْ وَ الْمَصَابُ جَلِيلُ
أَزَاكَ بَعِينِي دَامِي النَّحْرِ عَافِرًا عَلَيْكَ خُيُولُ الظَّالِمِينَ تَجُولُ

(شتر، ۱۴۰۹: ۲۱۳/۹)

«۱- برادر عزیزم، چشمان شرک با کشته شدن تو روشن گشت در حالی که مصیبت تو بسیار بزرگ است. ۲- با چشمان خویش گلوی خونینش را در حالی که آغشته به خاک است، می‌بینم که اسب‌های ستمگران بر آن می‌تازند.»

برابر فرمانی که ابن زیاد صادر کرده بود، «ابن سعد» مأمور بود که پس از شهادت امام حسین علیه السلام بر جسم مطهر ایشان اسب بتازاند؛ وی که به خاطر تقرب به ابن زیاد و در خیال خامش برای رسیدن به حکومت ری از هیچ جنایتی خودداری نمی کرد، در میان اصحابش فریاد زد: «مَنْ يَتَدَبُّ لِلْحُسَيْنِ فَيُوطِي الْخَيْلَ صَدْرَهُ وَظَهْرَهُ؟!» (مقرم، ۱۴۲۶: ۲۱۵) «کیست که داوطلبانه بر پیکر حسین اسب بتازد تا سینه و پشت وی را زیر سم اسبان پامال کند.» و به دنبال آن سپاه دشمن با نهایت سنگدلی و شقاوت خود شروع به تاختن بر پیکر امام حسین علیه السلام و دیگر شهدای کربلا نمود. هم چنین، پس از پایان جنگ، اجساد و پیکرهای شهدای کربلا بر روی زمین رها شده، بی آن که کفن و دفنی بر روی آنان صورت گیرد. شیخ سالم الطریحی، در ابیات زیر، کینه تیزی و شقاوت دشمن را در حالی نشان داده است که آنان به شهادت امام علیه السلام اکتفا نکرده و پیکر مبارک ایشان را بی رحمانه عرصه تاخت و تاز اسب های خود قرار داده اند:

و زَيْنَبَ تَدْعُو أَسَى وَالْخَطُوبُ	بِأَخْشَائِهَا قَدَحَتْ زَنْدَهَا
أَمْ لِأَجْسَادِهِمْ عَلَى كَثَبِ الْعَبْ	رَاءٍ مَخْضُوبَةٌ بِفَيْضِ دِمَائِهَا
أَمْ لِرَفْعِ الرَّؤُوسِ فَوْقَ عَوَالِي ال	سَمْرِ أَمْ رَضِ صَدْرِ حَامِي حِمَائِهَا
أَمْ لِسَيْرِ النَّسَاءِ بَيْنَ الْأَعَادِي	تَاكِلاتٍ يُنْدِبْنَ يَا آلَ طَاهَا

(شبر، همان: ۱۴۳/۷)

«۱- و زینب به سبب دل شکستگی و پیشامدها با سوز دل (از عمق جان) به حزن و اندوه فرامی خواند باقلبی برافروخته در (سینه اش شعله ور شده است). ۲- (این مصیبت ها) یا برای بدن های به خاک افتاده و توسط خون ها رنگین گشته است ۳- یا سرها بر روی نیزه شده یا سینه های حمایت کننده او خرد شده (به سبب سم اسبان) است. ۴- برای حرکت زنان (اسیر) در میان دشمنان، زن هایی که داغ دیده هستند با فریاد «یا آل طه» ندبه سر می دهند.»

تشنگی و عطش امام حسین علیه السلام و یاران ایشان در صحرای کربلا را می توان نخستین تصویری دانست که از همان آغاز به عنوان نقطه ای مشترک در بیش تر مرثیه های حسینی به آن پرداخته شده است؛ خزاعی، در ابیاتی اندوه خود از ستمی را که بر امام حسین علیه السلام در کربلا وارد شده است با بیان حضرت زینب در حالی که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را مورد خطاب قرار داده، ابراز داشته و از تشنگی و عطش امام و محرومیت وی از دسترسی به آب، سخن گفته است:

يَا جَدَّ قَدْ مُعِعُوا الْفُرَاتَ وَ قُتِلُوا
عَطَشًا فَلَيْسَ لَهُمْ هُنَالِكَ مُورِدٌ
يَا جَدَّ إِنَّ الْكَلْبَ سَيْشَرَبُ أَمِنَّا
رِيًّا وَ نَحْنُ عَنِ الْفُرَاتِ نُظَرِدُ

(همان، ۱۴۳/۷)

«۱- ای جدّ من، آن‌ها از فرات بازداشته شدند و تشنه به شهادت رسیدند و در آن‌جا راه ورودی به آب نداشتند. ۲- ای جدّم، همانا سگ با امنیت و آرامش سیراب می‌نوشد و حال آن‌که ما از فرات رانده می‌شویم.»

۲-۲-۲: هتک حرمت اهل بیت: و بیان حال شخصیت‌های مصیبت دیده

پس از به شهادت رسیدن سید الشهداء و یاران گرانقدرش؛ خیمه‌ها توسط لشکر یزید به آتش کشیده شد و زنان و کودکان به اسارت در آمدند و متحمل آزار و اذیت بسیار گشتند، از جمله حجاب از سر آن‌ها بر گرفته شد و مورد طعن‌ها و اذیت و آزارها و شکنجه‌های پی‌در پی قرار گرفتند. این وقایع نیز از چشمان شاعران دور نمانده و با اندوه و حسرت به بازنمایی آن صحنه‌های دردآور از زبان حضرت زینب عليها السلام پرداخته‌اند:

و تُسَاقِ نِسْوَتُكُمْ عَلَى عَجْفِ الْمَطْيِ
أَسْرَى تُكَابِدُ فِي السَّرَى الْأَصْفَادَا

(همان، ۶۲/۱۰)

«زنان شما بر مرکب‌های بی‌جهاز هم‌چون اسیران رانده می‌شوند و با غلّ و زنجیر دست و پنجه نرم می‌کنند.»

فَكَشَفَتْ مِنْهَا الْجَانِبِينَ
وَعَفَّتْ لِلْوَسْطِ النَّقَابَا

(همان، ۱۲۰)

«لباس‌هایشان که عامل پوشش آن‌ها بود، برداشته شد و نقاب از روی آن‌ها بر گرفته گشت.»

بَنَاتٌ مُحَمَّدٍ أَضَحَّتْ أَسَارَى
حَيَارَى بَعْدَ سَبِيٍّ وَ اسْتَلَابِ
تَوَاكِلٌ لَا تَجْفُ لَهَا دُمُوعٌ
مَحْسَرَةٌ عَلَى حَسْرِ الرِّكَابِ

(همان، ۴۰/۶)

«۱- دختران خاندان پیامبر صلى الله عليه وآله اسیر گردیدند و پس از آن‌که مورد دشنام و دریدن پوشش‌ها قرار گرفتند، غارت شدند. ۲- (آن) زنان فرزند از دست داده (داغدیدگان) اشک‌هایشان خشک نمی‌شود، بدون پوشش و با حسرت و اندوه به راه خود ادامه می‌دهند.»

و یا در ابیاتی دیگر حضرت زینب علیها السلام برادر خود امام حسین علیه السلام را مورد خطاب قرار می‌دهد و از فقدان آن حضرت و مصایب وارده بر ایشان و سایر زنان و کودکان به وی شکایت می‌برد:

أَخِي أَيُّ رَزَاءٍ أَشْتَكِي وَ مُصِيبَةٍ	فَرَأَيْكَ أُمَّ هَتَكِي وَ ذُلِّي وَ غُرْبَتِي
أُمُّ الْعَابِدِ السَّجَادِ أَضْحَى مُغْلَلًا	عَلِيلًا يُقَاسِي فِي السَّرَى كُلَّ كُرْبَةٍ
أُمُّ النَّسْوَةِ اللَّاتِي بَرَزْنَ حَوَاسِرًا	كَمِثْلِ الْإِمَا يَشْهُرْنَ فِي كُلِّ بَلَدَةٍ

(همان، ۱۲۸)

«۱- ای برادر عزیزم از کدامین مصیبت شکایت کنم از مصیبت فراق تو، از هتک حرمت شدن یا از خواری و غربت؟ ۲- یا از سید الساجدین امام سجاد علیه السلام که در غلّ و زنجیر در حالی که بیمار است و در این سفر اسارت با هر رنج و مصیبتی درگیر است؟ ۳- یا از زنانی که سر برهنه به مانند کنیزان در ملاء عام در همه جا آشکار شدند؟»

از جمله کارهای وقیح و زشت لشکر یزید برداشتن حجاب از سر زنان صحرای کربلا بود که بسیاری از شاعران این صحنه دردآور را به تصویر کشیده‌اند:

تَجَادَبَهَا أَيُّدِي الْعَدُوِّ حِمَارَهَا	فَتَسْتُرُ بِالْأَيْدِي إِذَا أَعْوَزَ السُّتْرُ
كَمْ حِصَانِ الذَّيْلِ يَرْوِي دَمْعَهَا	خَدَّهَا عِنْدَهَا قَتِيلَ بِالظَّمَا

(همان، ۷۳/۲)

«۱- میان حضرت زینب علیها السلام برای حفظ حجابشان و دشمنان (نامرد) برای برداشتن آن حجاب کشمکش بود؛ زیرا او (حضرت زینب علیها السلام) با دست هایش خود را می‌پوشاند و آن هنگام که آن را از سرش برمی‌گرفتند. ۲- چه بسیار زنان پاکدامنی که در کنار بدن شهید تشنه دشت کربلا، اشک دیدگان‌شان گونه‌هایشان را سیراب گردانید.»

تَاللَّهِ لَا أَنْسَاكَ زَيْنَبُ وَالْعَدَا	قَسْرًا تَجَادَبَ عَنْكَ فَضَلَ رَذَاكَ
لَمْ أَنْسَ لَا وَاللَّهِ وَجْهَكَ إِذْ هَوَتْ	بِالرُّؤْيِ سَاتِرَةَ لَهُ يُمْنَاكَ

(همان، ۱۵۵/۴)

«۱- به خدا قسم (ای) زینب تو را فراموش نمی‌کنم در حالی که دشمنان با قساوت و شدت (تندی) گوشه دامن‌ت را می‌کشند. ۲- به خدا قسم، فراموش نمی‌کنم آن گاه که صورتت، دستت را با آستین پوشانده بود، (بر زمین) افتاد. (زمین خوردی)»

فَمَأَلُوا عَلَىٰ أَوْلَادِهِ وَ نِسَائِهِ
 وَ صَحْبِ كِرَامِ سَادَةِ وَ سَرَاتِ
 غَرِيبٍ يُبْكِي مِنْ نِسَاءِ حَوَاسِرِ
 طَوَاهِرٍ مِنْ كُلِّ الْأَذْيِ خَفِرَاتِ

(همان، ۱۱۵/۳)

«بر فرزندان و زنان و یاران بزرگوار و گرانقدر ایشان تعدی نمودند. امام حسین علیه السلام غریبی است که زنان را که (از شدت غم و اندوه) سرهای خود را برهنه کرده‌اند و با وجود هتک حرمت‌ها، پاک و عقیف هستند، می‌گریزند.»

برخی از شاعران هم به مقایسه زنان اهل بیت علیهم السلام در صحرای کربلا در زیر آفتاب سوزان با خیمه‌های آتشین و لباس‌های پاره پاره شده توسط لشکر یزید و زنان خاندان او پرداخته است و واقعیت تلخ و دردناکی را که زنان پاکدامن و عقیف امام حسین علیه السلام و یاران ایشان گرفتار شده، به تصویر کشیده‌اند:

لِأَلِ يَزِيدٍ مِنْ أَدَمِ حِيَامٍ
 وَ أَصْحَابِ الْكِسَاءِ بِأَلِ ثِيَابِ

(همان، ۱۸۶/۳)

«خاندان یزید در قصر و چادرهای گرانبها به سر می‌برند و حال آن‌که اصحاب کسا بدون لباس هستند.»

أَتَنْهَبُ الْأَيَّامُ أَفْلَادَ أَحْمَدَ
 وَ يُضْحَى وَ يُضْمَا أَحْمَدُ وَ بَنَاتُهُ
 وَ أَفْلَادُ مِنْ عَادَاهُمْ تَتَوَدُّ
 وَ بَنْتُ زِيَادٍ وَ رِدَاهَا لَا يَصْرُدُ

(همان، ۶۹/۴)

«۱- آیا مردمان روزگار جگر گوشه‌های امام حسین علیه السلام را غارت می‌نمایند و فرزندان دشمنان ایشان دوست داشته می‌شوند؟ ۲- زنان و دختران آل رسول صلی الله علیه و آله در مقابل نور آفتاب اذیت می‌شوند در صورتی که روپوش دختر زیاد پاره نشده و در آسایش به سر می‌برد.»

ابیات مذکور، نمایانگر این نکته است که حضرت زینب علیه السلام و اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام در سخت‌ترین شرایط همواره عفت و پاکدامنی خود را حفظ نموده و رسالت خود را به عنوان بازماندگان قیام عاشورا، که همان صیانت از ارزش‌های اسلامی و تسلیم نشدن در برابر ستمگران، است به جا آورده‌اند.

۲-۳: سوگواری بر امام حسین علیه السلام از زبان حضرت زینب علیها السلام

رثا یکی از صادق‌ترین اغراض شعری در باب اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام به شمار می‌آید؛ چرا که «از دل‌های سوخته و عواطف سرشار سرچشمه گرفته است. مهم‌ترین مشخصه رثا را ذکر فقدان محبوب، شمارش فضایل او، تن به تقدیر سپردن، و در نهایت شکایت از جور دوران دانسته‌اند.» (ابوناجی، ۱۴۰۲: ۱۱) به طوری که بیش‌تر ادیبان معتقد بودند فن رثا نسبت به سایر فنون هم‌چون غزل، مدح، فخر، حماسه، و وصف از وسعتی کم‌تر برخوردار است؛ اما این فن بعد از حادثه کربلا جلوه‌ای دیگر به خود گرفت غم و اندوه فراوان و گریه و زاری در مراثی شیعیان آن‌چنان گسترده شد، برخی از ناقدان را بر آن داشت که بگویند شعر شیعه، شعر اندوه و گریه است؛ (ضیف، ۱۹۶۳: ۳۱۵) چون از عشق به اهل بیت علیهم السلام و عاطفه حزن و اندوه سرچشمه می‌گیرد؛ امام سجاد علیه السلام درباره فضیلت اشک بر شهادت امام حسین علیه السلام می‌فرماید: «أَيُّمَا مُؤْمِنٍ دَمَعَتْ عَيْنَاهُ لِقَتْلِ الْحُسَيْنِ وَمَنْ مَعَهُ حَتَّى يَسِيلَ عَلَى خَدَّيْهِ بَوَّأَهُ اللَّهُ فِي الْجَنَّةِ عُرْقًا.» (قندوزی، ۱۹۹۷: ۴۲۹)، «هر مؤمنی که چشمانش برای کشته شدن حسین بن علی علیه السلام و همراهانش اشکبار شود و اشک بر صورتش جاری گردد، خداوند او را در غرفه‌های بهشتی جای می‌دهد.» از دیرباز، شاعران غم و اشک حضرت زینب علیها السلام بر حادثه کربلا را به یاری رثا به تصویر کشیده‌اند. فن رثا قبل و بعد از اسلام نزد عرب‌ها دارای چارچوبی محدود بوده و از دایره برشمردن صفات و خصلت‌های نیک فقید خارج نبوده است (ضیف، ۱۹۹۵: ۵) عمق حادثه کربلا به حدی است که از همان آغاز، قلب حضرت زینب علیها السلام را از عظمت و عمق این فاجعه، غمبار گردانید؛ احساسی که غالباً با گریه و اشک و اندوه و حسرت، به سبب یادآوری و بیان مصایب وارد بر امام حسین علیه السلام و اهل بیت گرانقدر ایشان، نمود پیدا کرده است. سید حسین رشید الرضوی، با بکارگیری الفاظی هم‌چون «حزن، آساری، تلّهّب، فراق» به خوبی توانسته است تصویری اندوهبار از مصیبت وارده بر حضرت زینب علیها السلام پس از شهادت برادر گرامی‌شان را خلق نماید؛ هم‌چنین استعمال چند باره اسلوب منادا^۲ (یا آخی) توسط شاعر بر تأثیر بیش‌تر این عاطفه افزوده است:

أَخِي يَا أَخِي لَوْلَا مُصَابِكْ لَمْ أَبِحْ	بِأَسْرَارِ حُزْنٍ فِيكَ عَزَّ إِكْتِنَامُهَا
أَخِي يَا أَخِي عَدْنَا أَسَارَى أُمِّيَّةُ بِنَا	فَوَقَّ مَسْتَنِّ الْعَيْسِ يُقْصِدُ شَأْمُهَا
أَخِي بَيْنَ أَحْشَانِي إِيَّاكَ تَلَهَّبُ	وَعَيْنَايَ مُذْ فَارَقْتِ غَابَ مَنَاْمُهَا

(شبر، ۱۴۰۹: ۵/۲۳۳)

«۱- برادرم! ای برادرم! اگر مصیبت تو نبود هرگز اسرار اندوهی که پنهان کردنش دشوار است را آشکار نمی کردم. ۲- برادرم! ای برادرم! بنی امیه ما را در شمار اسیران در آورد و بر روی شتر به قصد شام برده می شویم. ۳- ای برادرم! در درونم (در غم از دست دادن تو) التهایی است و چشمانم از زمانی که جدا شده‌ای، خواب ندارد.»

احمد نحوی^۳، دیگر شاعری است که شبر اشعار عاشورایی وی را در مجموعه باشکوه خویش گردآورده است. وی در بیت زیر از زبان حضرت زینب علیها السلام در خطاب به امام حسین علیه السلام چنین می گوید:

أَخِي كَيْفَ تَرَكْتَنِي حِلْفَ الْأَيِّ مَشْبُوبَةَ الْأَخْشَاءِ بِالْإِقْبَادِ

(همان، ۳۰۱)

«ای برادرم! چگونه مرا هم پیمان با غم و اندوه رها ساختی؟ با درونی سوخته و بر افروخته از آتش.»

شیخ محمد طریحی^۴، از دیگر شاعران این دوره است که دیدن سرزمین کربلا، فجایع روز عاشورا را در ذهن وی تداعی کرده و حزن و ناله را در سراسر وجود وی گسترانده است. در ابیات زیر، فریادهای ناله و اندوه زینب علیها السلام را با تصویر مظلومانه شهادت امام حسین علیه السلام در آمیخته است:

رَأَتْ زَيْنَبُ صَدْرَ الْحُسَيْنِ مُرَضَّضًا فَصَاحَتْ وَنَارَ الْحُزْنِ بِالْقَلْبِ تَصْرَمُ
أَخِي هَذِهِ النَّسْوَانُ بَعْدَكَ ضِعْ أَخِي هَذِهِ الْأَطْفَالُ بَعْدَكَ يُثْمُ

(همان، ۹۲)

«۱- زینب علیها السلام سینه حسین علیه السلام را خرد شده دید و در حالی که آتش اندوه در قلبش زبانه می زد، فریاد زد. ۲- برادر! این زنان، پس از تو ضایع گشتند؛ برادر! این کودکان پس از تو یتیم شدند.»

ابن مطهر^۵، در ابیات زیر احساس خود از شهادت امام حسین علیه السلام را با اندوه زینب علیها السلام در غم از دست دادن برادر، آمیخته و از مصیبت این بزرگوار نیز نالیده است:

لَهْفَ قَلْبِي عَلَيْهِ وَهُوَ جَدِيلٌ فَوْقَ وَجْهِ الصَّعِيدِ دَامِي الْجَبِينِ
لَهْفَ قَلْبِي لَزَيْتَبَ وَهِيَ تَبْكِي وَتُنَادِي مِنْ قَلْبِهَا الْمَحْزُونِ

(همان، ۵۷)

«۱- افسوس قلبم بر او که بر خاک افتاده و پیشانی‌اش خونین است. ۲- حسرت قلبم بر زینبی که گریه می‌کند و از قلب اندوهگینش فریاد می‌زند.»

در بیت زیر، شاعر لحن حسرت بار حضرت زینب علیها السلام را پس از دیدن سر مبارک امام حسین علیه السلام بر روی نیزه با استفاده از ندا بیان نموده است:

وَعَدَّتْ زَيْنَبُ تُنَادِي بِشَجْوٍ يَا أَخِي يَا قَتِيلَ أَهْلِ النَّفَاقِ

(همان، ۵۴)

«زینب علیها السلام با ناله، فریاد می‌زد (که) ای برادرم! ای کشته‌اهل نفاق و دورویی!». در حقیقت، اندوه شاعران حسینی، اندوهی جانکاه است که بستگی به رابطه نسبی ندارد بلکه مبتنی بر تفکری عمیق است که از عمق جان آنان برمی‌خیزد.

۲-۲-۴: پایداری و صیانت از آرمان‌های قیام عاشورا

هر قیام و نهضتی از دو بخش خون و پیام تشکیل می‌گردد. (پیشوایی، ۱۳۸۷: ۳۴) مقصود از خون، همان قیام مسلحانه و مبارزه است که در نهضت عاشورا به شهادت در راه خدا انجامید. مقصود از پیام نیز حفظ اهداف و بیان آرمان‌های آن قیام و زنده نگاه داشتن یاد و خاطره شهدا است. پیام‌رسانی قیام از اهمیتی ویژه برخوردار است؛ زیرا اگر اهداف قیام به درستی تبیین نشود، گذر زمان سبب فراموشی اصل آن می‌شود و اهداف و آرمان‌های قیام به دست دشمنان، تحریف و دگرگون می‌شود. شاعران ادب الطّف نیز به یاری مدح و ذکر فضایل و خصایل امام حسین و امام علی علیهما السلام و پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم از زبان حضرت زینب علیها السلام، سعی داشتند پیام‌رسانی ایشان را که همانا یادآوری جایگاه والای آن بزرگان و پایداری آن‌ها در مسیر هدایت و مقابله با ظلم و ستم است، به تصویر بکشند. از این رو، شاعران مدح را به عنوان ابزاری در جهت بیان شجاعت، قدرت و شکست‌ناپذیری و حق‌محور و یاری‌گر بودن پدر و برادر و جدّ حضرت زینب علیها السلام به زبان آن بزرگوار به کار بسته‌اند. مدح در لغت به معنای ثنا و ستایش است (ابن منظور، ۱۴۰۵: ۴۹۹/۱). شاعران حسینی در مرثیاتی‌شان بیش‌تر به ارزش‌هایی می‌پردازند که بیانگر فضایل و مناقب اهل بیت علیهم السلام و حقوق از دست رفته آنان در مورد خلافت می‌باشد. علاوه بر این موارد از ارزش‌هایی هم چون عصمت، بخشنندگی، شجاعت و نسب اهل بیت علیهم السلام در قصایدشان داد سخن داده‌اند. در زیر به شواهدی از شاعرانی که در منقبت ایشان سروده‌اند، اشاره می‌کنیم:

وَاللَّهِ لَوْ أَنَّ النَّبِيَّ وَصَّنُوهُ
لَمْ يَمْسِ مُنْتَهَكًا حَمَاكِ وَلَمْ تَمْطِ
يَوْمًا بَعْرَصَةَ كَرْبَلَا شَهْدَاكِ
يَوْمًا أُمِّيَّةً عُنْكَ سَجَفَ حَبَاكِ

(شبر، ۱۴۰۹: ۱۵۵/۴)

«۱- به خدا سوگند، اگر پیامبر صلی الله علیه و آله و برادرش [حضرت علی علیه السلام] امروز تو را در عرصه کربلا می‌دیدند، ۲- دشمنان، نمی‌توانستند تو را هتک حرمت کنند و بنی امیه امروز (مرکب‌هایشان) را به سرعت نمی‌راندند و (کارهایشان این گونه پیش نمی‌رفت) و (نمی‌توانستند) پرده (خیمه‌ات) را فرو بکشند.»

بنابر عادت مدح در شعر عربی به ترفیع جایگاه امام حسین علیه السلام پرداخته است و برای این منظور، انتساب امام حسین علیه السلام و حضرت زینب علیه السلام به جدّ بزرگوارشان پیامبر صلی الله علیه و آله و پدر ارجمندشان حضرت علی علیه السلام را مورد نظر قرار داده و با اشاره به این موضوع، جایگاه والای آن حضرت را بیان کرده است.

شاعر در ابیات فوق، شجاعت و قدرت و شکست‌ناپذیری حضرت رسول صلی الله علیه و آله و حضرت علی علیه السلام را به نمایش می‌گذارد و این واقعیت را بازگو می‌کند که اگر این دو بزرگوار در صحنه خونین کربلا حضور داشتند، به خاندان ظلم و تباهی اجازه هتک حرمت، آزار و اذیت و به اسارت گرفته شدن کودکان و زنان اهل بیت علیهم السلام را نمی‌دادند.

حضرت زینب علیه السلام با ترسیم مصایب و ظلم‌های وارده بر شهدای کربلا و زنان و کودکان بازمانده، در واقع اعمال جنایتکارانه و فجیع لشکر تاریکی را به تصویر کشیده و به سرزنش آن‌ها پرداخته است؛ هم‌چنان که در جمع کوفیان فریاد می‌زد: «وَيْلَكُمْ يَا أَهْلَ الْكُوفَةِ! أَتَدْرُونَ أَيَّ كَبَدٍ لِرَسُولِ اللَّهِ فَرَيْتُمْ؟ وَ أَيَّ كَرِيمَةٍ لَهُ أُبْرِئْتُمْ؟» (نوری، ۱۳۹۲: ۱۱۱)، «وای بر شما مردم کوفه! آیا می‌دانید که چه جگری از پیامبر صلی الله علیه و آله قطعه قطعه کردید و کدام دختر او را در معرض تماشای دیگران قرار دادید؟»

یکی از شاعران اهل بیت علیهم السلام یاران امام حسین علیه السلام را هم‌چون ستارگان آسمان در تاریکی مطلق می‌داند:

وَأَصْحَابِهِ فِي الْقُرْبِ صَرَعِي كَأَنَّهُمْ
نُجُومٌ سَمَاءٍ حَفَّتْ بِسَدْرِ دُجْنَةٍ

(شبر، ۱۴۰۹: ۱۲۸/۶)

«یاران با وفای آن حضرت که در خاک خفته‌اند هم‌چون ستارگان آسمان در تاریکی مطلق هستند.»

تشبیه از جمله ابزار است که بسیاری از شاعران حسینی آن را در شعرشان به کار برده‌اند که در نوع خود ستودنی است؛ و نقشی مهم در شکل‌گیری تصویر دارند. مانند این بیت، شاعر با آوردن «کأن» که از قوی‌ترین ادوات تشبیه است، امام حسین علیه السلام و یاران ایشان را به ماه و ستارگان آسمانی و هم‌چنین لشکر یزید را به شب تاریک و ظلمانی که نمودی از باطن تیره و تار آن‌ها به شمار می‌رود تشبیه کرده، به دنبال برجسته‌نشان دادن این واقعه است. هدف شاعران از آوردن تشبیه حسی، ملموس کردن واقعیت‌های ذهنی دور از دسترس، به امور ملموس عینی است.

عَلَى الطَّفِّ السَّلَامِ وَ سَاكِنِيهِ وَ رُوحُ اللَّهِ فِي تَلْكَ الْقُبَابِ
نُفُوسٌ قُدِّسَتْ فِي الْأَرْضِ قُدْسًا وَقَدْ خُلِقَتْ مِنَ التُّطْفِ الْعِدَابِ

(همان، ۲۳۶/۱)

«۱- بر سرزمین کربلا و ساکنانش سلام؛ در حالی که روح خدا - امام حسین علیه السلام - در آن بارگاه است. ۲- جان‌هایی که در سرزمین مقدس، پاک شدند و از نطفه‌های ناب و خالص آفریده شده بودند.»

۲-۲-۵: ترسیم تنهایی حضرت زینب علیها السلام

تنهایی و بی‌یاوری حضرت زینب یکی دیگر از جنبه‌های مظلومیت ایشان در صحرای کربلا است؛ سید علی بن جعفر، در بیت زیر اندوه حاصل از این مصیبت بزرگ بر حضرت زینب علیها السلام را در قالب گریه بی‌امان ایشان بر پیکر امام حسین علیه السلام به نمایش گذاشته است:

وَ زَيْنَبُ مِنْ فَرَطِ الْأَسَى تَكْتُرُ الْبُكَاءَا تَقُولُ أَخِي مَنْ لِي إِذَا تَابَنِي الدَّهْرُ

(همان، ۵۶/۵)

«زینب علیها السلام از شدت اندوه، بر گریه خود می‌افزاید در حالی که می‌گوید: ای برادر! اگر روزگار مرا دچار مصیبت کند چه کسی را دارم؟»

شاعر در این ابیات ضمن بیان گریه بی‌وقفه زینب علیها السلام از فقدان امام حسین علیه السلام با به تصویر کشیدن بی‌یاوری آن حضرت، پس از شهادت برادر گرامی‌شان، بر جنبه حزن‌آلود این حادثه افزوده است.

برخی از شاعران غربت حضرت زینب علیها السلام را به عنوان جنبه‌ای از مظلومیت ایشان مد نظر داشته‌اند؛ شیخ محمد نظر علی، در بیت زیر ضمن بیان حسرت و اندوه خود از این مصیبت بزرگ، از غربت و تنهایی حضرت زینب سخن می‌گوید:

لَهْفِي لِزَيْنَبَ بَعْدَ الصَّوْنِ حَاسِرَةً بَيْنَ اللَّيَامِ وَمِنْهَا الْخِذْرُ مُبْتَدَلٌ
تَقُولُ وَاصْبَعَتَا بَعْدَ الْحُسَيْنِ أَخِي مَنْ لِي وَقَدْ خَابَ مِنِّي الظَّنُّ وَالْأَمَلُ

(همان، ۱۴۳/۷)

«۱- افسوسم برای حضرت زینب علیها السلام بعد از هتک حرمت شدن بین فرومایگان است در حالی که پوششی مبتذل داشت. ۲- حضرت زینب علیها السلام می گوید بعد از تو ای برادرم حسین علیه السلام چه کسی برایم مانند تو و در وقت ناامیدی همانند امید برای من است.»
شاعر دیگر نیز در ابیات دیگر، ضمن اشاره به واقعه عاشورا که هم چون زلزله ای عرش خداوند را لرزاند، بر حضرت زینب علیها السلام آه و حسرت می کشد و بر نداشتن پناهگاه و تکیه گاه بر ایشان ابراز اندوه و غم می کند:

يَا يَوْمُ عَاشِرَاءَ يَوْمٍ فِيهِ عَرْشِ اللَّهِ عَجَا
يَوْمُ بِهِ سَبَطِ النَّبِيِّ عَلَى الشَّرَى مُلْقًا مَسْجَا
لَهْفِي إِذْ دَعَا يَا كَافِلِي أَنْتَ الْمَرْجَا
أَدْعُوكَ مَالِكٌ لَا تُجِيبُ وَ لَيْسَ لِي إِلَّا كَ مَلْجَا

(همان، ۲۴۹)

«۱- ای روز عاشورا روزی که عرش خدا در آن لرزید. ۲- روزی که نوه پیامبر در آن بر خاک افتاد (بر خاک سجده کرد). ۳- آه و افسوس من بر زینب علیها السلام آن هنگام که فراخواندی ای ضامنم (یاورم) تو پناهگاه من هستی. ۴- تو را فراخواندم تو را چه شده است و مرا اجابت نمی کنی و غیر از تو برایم پناهگاهی نیست.»

ابیات مزبور، بیانگر اوج این فاجعه، تنهایی و بی پناهی آن حضرت در مقابل لشکریان کفر است، که شاعر جنبه حزن آلود این واقعه را به مخاطب القا می کند، و عمق بی پناهی و یأس آن حضرت را با ابیاتی سوزناک به رشته تحریر در می آورد.

۲-۶: مرتبه سزایی بر شهدای کربلا، بیان مصایب و پایداری حضرت زینب علیها السلام

غالب قصیده هایی که شاعران شیعه در مدح و رثای اهل بیت علیهم السلام سروده اند در مقایسه با سایر شعرهای آنان از اخلاص و احساسات صادقانه بیش تر برخوردار هستند؛ زیرا که این گونه شعرها از ژرفای دل و جان آنان سرچشمه می گیرد و در واقع بیانگر اعتقادات قلبی و درونی آنان نسبت به

آل رسول الله صلی الله علیه و آله است. از طرفی دیگر شاعران اهل بیت علیهم السلام امیدوی به کسب مال و مقام ندارند؛ از این رو، با مدح و رثای اهل بیت علیهم السلام، فضیلت‌های اخلاقی ایشان را نشر می‌دهند و هم‌چنین به ذکر مصیبت‌های اهل بیت علیهم السلام می‌پردازند، به همین جهت اشعار آنان سرشار از عاطفه‌ی راستین است. (دیاری نژاد، ۱۳۹۴: ۷۶) این امر بهترین نمود خود را در مرثیه‌های حسینی یافته است که غالباً برخاسته از احساس همدردی با امام بزرگوار به سبب وقوع این فاجعه‌ی دردناک است. احساساتی که بیش‌تر در قالب به‌کارگیری برخی از اصطلاحات همانند: «بنفسی: جانم به فدایت، بآبی: پدرم به فدایت، آفدیه: فدایش گردم و لهفی...» نمود پیدا کرده است. الفاظی که ورای معنای ظاهری خود، از عشق و محبت نسبت به امام حسین علیه السلام و احساس مشارکت در این ماتم بزرگ حکایت می‌کند. در بیش‌تر این سوگ‌سروده‌ها، شاعران ضمن بیان مصایب امام حسین علیه السلام و دیگر شهدای کربلا، ارادت خالصانه‌ی خود نسبت به این بزرگواران از جمله حضرت زینب علیها السلام را در شعر خود و با بیان حزن و اندوه خویش، بیان داشته‌اند. در بیت زیر، شاعر حضرت زینب علیها السلام را زنی استوار می‌خواند هم‌چون شمشیر قاطع و برنده که مصایب و فجایع حادثه‌ی کربلاء، وی را خسته و ملول ساخته و مانند شمشیری از شدت ضربات وارده خم گشته اما هنوز نشکسته است:

لَهْفِي عَلَى النَّسْوَانِ إِذْ أُرْرَزَتْ تُسَاقُ سُوقًا بِالْعَنَا وَالْجَفَا
لَهْفِي عَلَى ذَاكَ الْقَوَامِ الَّذِي أَخْنَاهُ بِالْأَطْفِ سَيْوُفِ الْعِدَى

(شبر، ۱۴۰۹: ۱۱۶/۲)

«۱- افسوس و اندوه من به خاطر زنانی - زنان اهل بیت امام حسین علیه السلام - است که با چهره‌های آشکار خشونت و ظلم رانده شدند. ۲- افسوس من برای آن قامت استواری - حضرت زینب علیها السلام - است که شمشیرهای دشمنان در سرزمین کربلاء، او را خم کردند.»

ابیات مذکور را می‌تواند نمودی از حسرت شاعر بر زنان اهل بیت علیهم السلام و از جمله حضرت زینب علیها السلام باشد که در اوج مصیبت قامتشان خم گشته ولی با این وجود، در مقابل دشمن به زانو در نیامده اند و هم‌چنان برای تحقق آرمان سیدالشهدا که همان از بین بردن ظلم است تلاش می‌کنند.

۲-۷: دادخواهی حضرت زینب علیها السلام

حضرت زینب علیها السلام آن‌گاه که شاهد شهادت برادر خود سیدالشهدا و شکنجه‌ی کودکان و زنان بود و آماج تیرهای طعن و آزار و اذیت و شکنجه‌ی دشمنان قرار گرفت، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را خطاب قرار داده به بیان مصایب وارد بر عزیزانش و روایت شکنجه‌های وارد بر زنان و کودکان پس از

واقعه عاشورا پرداخته است. فخرالدین طریحی، مرثیه‌اش را با به تصویر کشیدن فضای حزن‌آمیز شهادت امام حسین علیه السلام و بیان احوال حضرت زینب علیها السلام آغاز و در قالب بیان خطابی و استعمال واژگان و ترکیب‌هایی هم‌چون «مَضْرَجٌ بِالْذَّمِّ، الذَّلُّ، تُكَلُّ و مُصِيبَةٌ» به خوبی توانایی خود را در ایجاد فضای تأثیر برانگیز بر مخاطب، نشان داده‌است. وی به زبان حضرت زینب علیها السلام، پیامبر را مورد خطاب قرار داده و از شهادت امام حسین علیه السلام و برهنه گشتن زنان و کودکان پس از شهادت ایشان سخن گفته است و از جدّ خود طلب یاری می‌کند:

يَا جَدَّ ذَا نَحْرُ الْحُسَيْنِ مُضْرَجٌ	بِالذَّمِّ وَالْجِسْمِ الشَّرِيفِ مُجْرَدٌ
يَا جَدَّ حَوْلِي مِنْ يَتَامَا إِخْوَتِي	فِي الذَّلِّ قَدْ سَلَبُوا الْقِنَاعَ وَجُرُدُوا
يَا جَدَّ مِنْ تَكْلِي وَ طُولِ مُصِيبَتِي	وَلَمَّا أَعَانِيهِ أَقُومُ وَأَقْعُدُ

(همان، ۱۱۸/۵)

«۱- ای پدر بزرگ! این سینه حسین علیه السلام است که به خون آغشته شده و جسم شریفشان عریان است. ۲- ای پدر بزرگ یتیمان برادرم اطرافم در خواری هستند در حالی که روسری از آنان گرفته شده و (از جامه) عریان شدند. ۳- ای پدر بزرگ! (به فریادم برس) از فقدانم و عمق مصیبت؛ آن گاه از آن به رنج می‌آیم، بر می‌خیزم و می‌نشینم.»

خزاعی، در ابیاتی اندوه خود را از ستمی که بر امام حسین علیه السلام در کربلا وارد شده است با بیان حضرت زینب علیها السلام در حالی که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را مورد خطاب قرار داده، ابراز داشته و از تشنگی و عطش امام علیه السلام و محرومیت وی از دسترسی به آب، سخن گفته است:

يَا جَدَّ قَدْ مَنَعُوا الْفِرَاتَ وَقَتَلُوا	عَطْشًا فَلَيْسَ لَهُمْ هُنَالِكَ مُورِدٌ
يَا جَدَّ إِنَّ الْكَلْبَ سَيَشْرَبُ أَمْنَا	رِيًّا وَ نَحْنُ عَنِ الْفِرَاتِ نُنْظَرُ

(همان، ۱۴۳/۷)

«۱- ای جدّ من، آن‌ها از فرات بازداشته شدند و تشنه به شهادت رسیدند و در آن‌جا راه ورودی به آب نداشتند. ۲- ای جدّ من، همانا سگ با امنیت و آرامش سیر آب می‌نوشد و حال آن‌که ما از فرات رانده می‌شویم.»

گاه شاعران برای بیان احساسات درونی خود و به قصد مهیّا کردن فضا برای بیان مقاصد خویش و پرداختن به موضوع رثا، دست به تکرار برخی جملات زده‌اند. بیت بالا از جمله این نمونه‌ها است.

برای مثال تکرار «یا جد»، افزون بر نقشی که در القای شدت غم و اندوه حضرت زینب علیها السلام و میزان تنهایی و طلب یاری ایشان ایفا کرده، تأثیری به سزا در موسیقی ابیات داشته است.

كَيْفَ الْقَرَأُ وَ فِي السَّبَايَا زَيْنَبُ
تَدْعُو بِفَرْطِ حَرَاةٍ: يَا أَحْمَدُ

(همان، ۲۹۵/۱)

«یا احمد چگونه آرام و قرار داشته باشم در حالی که زینب علیها السلام در بین اسیران است و از شدت اندوه و گرما ناله سر می‌دهد.»

در ابیات فوق، طلب یاری حضرت زینب علیها السلام از جد گرامی‌شان پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را، می‌توان عمق بی‌یاوری ایشان در مقابل طوفان حوادثی دانست که به یکباره خاندان اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام را در بر گرفته است و شاعر با آوردن حرف ندای «یا» که برای منادای نزدیک آورده می‌شود و غرض از آوردن آن این است که متکلم وانمود می‌کند منادا در قلب و جان او حضور دارد (محسنی، ۱۳۹۰: ۱۰۹/۱) که متکلم ایشان را به منزله زنده تلقی می‌کند و انتظار انتقام گرفتن پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم، از اهل نفاق را دارد.

نتیجه‌گیری

حادثه عاشورا و ابعاد گسترده این حادثه جانکاه، به عنوان نقطه عطفی در تاریخ اسلام و به ویژه شیعه محسوب می‌شود که ورود آن به عرصه ادبیات عربی در باره اهل بیت علیهم‌السلام جلوه‌ای خاص به آن بخشید و شاعران بسیار با پرداختن به آن، آثاری گرانسنگ خلق کرده و نام خود را بر تارک عرش جاودان نموده‌اند. با بررسی محتوای مرثیه‌های سروده شده در ده جلد کتاب «أدب الطّف» دریافتیم که:

۱- حضور پر رنگ و خطبه‌های کارساز حضرت زینب علیها‌السلام و نیز رهبری امت اسلامی آن روز در مرثی‌های شاعران عرب‌زبان، بیانگر عظمت و تأثیر غیر قابل انکار ایشان در قلمرو گسترده ادبیات عاشورایی است؛

۲- به تصویر کشیدن واقعیت دعوت به صبر و پایداری بر آرمان‌ها و اثبات حق را می‌توان جلوه‌ای مشترک در این مرثیه‌ها، دانست؛ چرا که شاعران با بهره‌گیری از ذوق شاعرانه و تکیه بر عاطفه صادقانه خود با بیان حوادثی که در حادثه کربلا به وقوع پیوست به زیباترین شکل تصویری شفاف از آن را در برابر خواننده قرار می‌دهند؛ و از آن جا که این تصاویر برای نمایاندن واقعیت است، از کوچک‌ترین تکلف و تصنع به دور است؛

۳- عاشورا هیچ‌گاه در محدوده زمان و جغرافیایی خاص محصور نمانده است، امام حسین علیه‌السلام و حضرت زینب علیها‌السلام منحصر به یک دوره از تاریخ نیستند و قیام آن حضرت و پایداری و تدبیر خواهر بزرگوارشان محرک حرکت‌های انقلابی و جنبش‌های ظلم‌ستیز تا به امروز است که از آن می‌توان به خیزش‌ها و انقلاب‌های اخیر ملت سوریه، لبنان، یمن و به ویژه قیام مردم مظلوم فلسطین به منظور ایستادگی در برابر استکبار جهانی و دولت‌های دست‌نشانده آن، اشاره کرد که همواره الهام بخش تشیع در راستای حرکت‌ها، جنبش‌ها و قیام‌های راستین علیه کفر است؛

۴- در مرثی‌های این مجموعه شعری، شاعران در پی آن بوده‌اند تا با تشریح سیمای بسی بدیل حضرت زینب علیها‌السلام در طول تاریخ و بیان احوال ایشان در غم از دست دادن نزدیکان خود، و جایگاه او در رهبری امت در فاصله زمانی فقدان امام علیه‌السلام در جامعه، در صدد ترسیم سیمایی مظلومانه از امام حسین علیه‌السلام و شهدای کربلا و نیز به تصویر کشیدن بار سنگین رسالت بر دوش حضرت زینب علیها‌السلام در برابر خواننده بوده‌اند.

پی‌نوشت‌ها

- ۱- دیوان سید اسماعیل حمیری. دیوان منصور نمری. دیوان دعبل خزاعی. اگر به شعر معاصر نیز نگاهی افکنیم اشعار عاشورایی مهدی جواهری از زیباترین اشعار در این زمینه است.
- ۲- پیرامون اسلوب ندا در مرثیه‌های این دوره، در فصل چهارم به تفصیل سخن آمده است.
- ۳- شیخ احمد بن شیخ حسن حلّی نجفی معروف به نحوی در سال ۱۱۸۳هـ در حلّه وفات یافت و جسد او به نجف انتقال داده شد و در همان‌جا دفن گشت. خانوادهٔ نحوی از خانه‌های علمی و ادبی است که از اوایل قرن ۱۳ تا به امروز در نجف مستقر هستند. (شبر، ۱۴۰۹: ۳۰۳/۵-۳۰۴)
- ۴- شیخ محمد علی بن احمد بن علی بن احمد بن طریح خفاجی عزیزی از مشاهیر قرن ۱۱ تا سال ۱۰۳۶هـ زنده بود. (همان، ۹۲/۵)
- ۵- به عقیدهٔ نگارنده، با توجه به برگشت ضمیر در این فعل به النسوان، ضیعّن صحیح است.
- ۶- شیخ جمال الدین احمد بن حسین بن مطهر حماسه‌ای بسیار بزرگ در مدح امام حسین علیه السلام دارد و سید امین در الاعیان می‌گوید: عالم و فاضل است و در سال ۸۷۷هـ وفات یافت. (همان، ۴۹/۵)

منابع و مآخذ

- ۱- ابن منظور، محمد بن مكرم (۱۴۰۵)، *لسان العرب*، قم: نشر ادب الحوزة.
- ۲- امين، سيد محسن (۱۴۰۳)، *أعيان الشيعة*، تحقيق: حسن الأمين، بيروت: دارالتعارف للمطبوعات.
- ۳- بنت الشاطي، عايشة (۱۳۶۷)، *زينب بانوى قهرمان كربلا (بطلة كربلا)*، ترجمة حبيب چايچيان و مهدى آيت الله زاده نايني، چاپ ۱۴، تهران: اميركبير.
- ۴- پيشوايى، مهدى (۱۳۸۷)، *سيره پيشوايان*، قم: مؤسسه امام صادق عليه السلام.
- ۵- جزائرى، سيد نورالدين (۱۴۲۵)، *الخصائص الزينبية*، قم: انتشارات المكتبة الحيدرية.
- ۶- جواهرى، محمد مهدى (۲۰۰۰)، *ديوان*، جلد ۲ و ۳، بيروت: بيسان.
- ۷- حسيني اجداد، سيد اسماعيل (۱۳۸۸)، *تجزيه و تحليل خطبة حضرت زينب عليها السلام در كوفه*، مجله سفينه، شماره ۲۲، صص ۱۰۵-۱۲۶.
- ۸- ديارى نژاد، عزت الله (۱۳۹۴)، *تحليل محتوايى و ساختارى رثاى حسيني "مطالعه موردى: جلد دوم كتاب ادب الطف"* پايان نامه كارشناسى ارشد دانشگاه رازى.
- ۹- شبر، سيد جواد (۱۴۰۹)، *ادب الطف أو شعراء الحسين*، بيروت: دار المرتضى.
- ۱۰- شرفشاهى، كامران (۱۳۹۱)، *تجلى حضرت زينب در شعر عاشورايى*، كتاب نقد، سال پانزدهم، شمارههاى ۶۷، ۶۸، ۸۷، ۱۰۸.
- ۱۱- شيخ الغرى (۱۴۲۸)، «حياة جواد شبر»، نجف، *مجلة آفاق نجفية*، العدد ۵.
- ۱۲- ضيف، شوقى (۱۹۹۵)، *الرتاء*، القاهرة: دار المعارف.
- ۱۳- _____، (۱۹۶۳)، *تاريخ الأدب العربى، العصر الإسلامى*، الطبعة ثلاثة عشر، القاهرة: دار المعارف.
- ۱۴- قندوزى، سليمان بن ابراهيم، *بنايع المودة لنوى القربى* (۱۹۹۷)، قم: منظمة الأوقاف و الشؤون الخيرية، دار الأسوة للطباعة والنشر.
- ۱۵- مجلسى، محمد باقر (۱۴۰۳)، *بحار الأنوار*، بيروت: مؤسسة الوفا.
- ۱۶- مجيب المصرى، حسين (۲۰۰۰)، *كربلا بين شعراء الشعوب الإسلامية*، القاهرة: الدار الثقافية للنشر.
- ۱۷- محمد عبد الرحمن، ابراهيم محمد (۲۰۰۸)، *استدعاء شخصية الحسين فى الشعر العربى*، الطبعة الأولى، مصر: دار اليقين.
- ۱۸- محسنى على اكبر (۱۳۹۰)، *آموزش دانش معانى*، چاپ اول، كرمانشاه: انتشارات دانشگاه رازى.
- ۱۹- مقرّم، عبدالرزاق (۱۴۲۶)، *مقتل الحسين*، بيروت: مؤسسة الخرسان للمطبوعات.
- ۲۰- نعمة، عبدالله (۱۴۰۰)، *الأدب فى ظل التشيع*، الطبعة الثانية، بيروت: دار التوجيه الإسلامى.
- ۲۱- نورى، اعظم (۱۳۹۲)، *خردورزى در سيرة حضرت زينب عليها السلام*، پژوهشنامه اسلامى زنان و خانواده، سال اول، شماره ۱، صص: ۱۰۰-۱۲۲.